

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، شماره ۲۷ (پیاپی ۲۴) بهار ۸۹

ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریه* (علمی - پژوهشی)

دکتر سیده مریم روضاتیان
استادیار دانشگاه اصفهان
دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد
دانشیار دانشگاه اصفهان

چکیده

رساله قشیریه یکی از مهمترین متون آموزشی صوفیه است که به دست ابوالقاسم قشیری صوفی و متکلم اشعری قرن پنجم هجری تألیف شد. انگیزه قشیری از نگارش این اثر معرفی تصوف و اصول آن در روزگاری بود که فساد و انحراف در عقاید، آداب و سنن صوفیه توسط صوفی نمایان راه یافته بود؛ به همین سبب رساله قشیریه در روزگار مؤلف سرعت در میان صوفیان شهرت یافت و در اواخر عمر قشیری یا اندکی پس از درگذشتش به دست یکی از شاگردان او به نام ابوعلی عثمانی به فارسی ترجمه شد. رساله در اواسط یا اواخر قرن ششم در معرض ترجمه ای دوباره قرار گرفت که جز در برخی قسمتها بقیه به اصلاحی از ترجمه نخست انجامید. ترجمه دوم رساله قشیریه در سال ۱۳۴۵ به همت استاد بدیع الزمان فروزانفر برای نخستین بار تصحیح شد و به همراه مقدمه ای مفصل بارها به چاپ رسید. این مقاله در نظر دارد نمونه هایی از ترجمه اول و دوم رساله قشیریه را با متن عربی آن مقایسه کند و ضمن پرداختن به برخی ابهامات درباره ترجمه و تصحیح رساله قشیریه، ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی را از این اثر تبیین نماید.

کلید واژه ها: ترجمه رساله قشیریه، متون عرفانی فارسی، ادبیات عرفانی کلاسیک، تصحیح متون عرفانی.

مقدمه

ابوالقاسم قشیری، که به قصد آموختن حساب به نیشابور سفر کرده بود بر حسب اتفاق به مجلس ابوعلی دقاق راه یافت و زندگیش در مسیر تازه ای قرار گرفت. بهره گرفتن از آموزه های ابوعلی دقاق و مشایخ دیگری همچون ابوعبدالرحمن سلمی، قشیری را در طریق تصوف تا بدانجا پیش برد که در شمار مشهورترین نویسندگان متون عرفانی قرار گرفت. در میان آثار متعددی که قشیری تالیف کرد، رساله قشیریه اهمیت ویژه ای دارد به گونه ای که هم در زمان حیات قشیری در بین صوفیان شهرت یافت و هم پس از درگذشتش تأثیری عمیق بر متون برگزیده ای همچون آثار محمد غزالی، کشف المحجوب هجویری، تذکره الاولیاء عطار و ... به جا گذاشت.

قشیری، رساله را با انگیزه تشریح و تفسیر عقاید، آداب، رسوم، شرح حال و بیان اقوال مشایخ صوفیه در روزگاری که صوفیان دروغین بدعت و انحراف را در تصوف وارد ساخته بودند در دو فصل و پنجاه و چهار باب تالیف کرد. فصل اول در بیان عقاید صوفیان و فصل دوم خلاصه و نتیجه فصل اول است. قشیری شرح حال هشتاد و سه تن از مشایخ صوفیه را در باب اول مطرح کرده و در سایر بابها به شرح اصطلاحات، بیان احوال و مقامات، آداب و سنتها، کرامات، خواب و رؤیا، وفات و وصیت مشایخ به مریدان پرداخته است. رساله در اواخر عمر قشیری یا اندکی پس از درگذشت او به دست یکی از شاگردانش به نام ابوعلی عثمانی به فارسی ترجمه شد. در اواسط یا اواخر قرن ششم ترجمه رساله قشیریه به کرمان رسید و شیخ الشیوخ خواجه محمد پارسا آن را به نزد ابوالفتوح نیشابوری، که آن زمان در کرمان به سر می برد، فرستاد تا ترجمه را، که به نظر سقیم می رسید، اصلاح کند. ابوالفتوح بر آن شد تا رساله را دوباره ترجمه کند اما اجل به او مهلت نداد و ترجمه مجدد تنها به برخی قسمتها محدود شد و در سایر بخشها اصلاحاتی در ترجمه اول صورت پذیرفت. ترجمه دوم در سال ۱۳۴۵ به همت استاد بدیع الزمان فروزانفر تصحیح و تعلیق شد و با چاپ این اثر، ترجمه رساله قشیریه برای نخستین بار در دسترس علاقه مندان قرار گرفت. با این حال درباره ترجمه و تصحیح رساله قشیریه نکاتی وجود دارد که تاکنون مغفول مانده است. این مقاله ضمن نقد شیوه استاد فروزانفر در تصحیح ترجمه رساله قشیریه و طرح برخی ابهامات و اشتباهات درباره ترجمه و تصحیح

این اثر به مقایسه نمونه هایی از ترجمه اول و دوم بامتن عربی رساله می پردازد و ضرورت تصحیح ترجمه اول را بیان می کند.

بحث و تحلیل

در قرن پنجم هجری آثار عرفانی با تنوع و رونق بیشتری تألیف شد. پیش از آن آثار عرفانی به زبان عربی نوشته می شد اما از این قرن به بعد زبان فارسی نیز برای تألیف متون عرفانی به کار گرفته شد و آثار ارزشمندی مانند کشف المحجوب و آثار خواجه عبدالله پدید آمد (دهباشی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). در همین دوران برخی از متون، که پیش از آن به عربی تألیف شده بود مانند التعرف به فارسی شرح و ترجمه شد. در همین زمان بود که رساله قشیریه نیز به فارسی برگردانده شد.

۱- درباره ترجمه رساله قشیریه

از رساله قشیریه دو ترجمه به فارسی در دست است و از دیباچه ای که بر ترجمه دوم نوشته شده است، چنین معلوم می شود که ترجمه اول به دست ابوعلی عثمانی از شاگردان قشیری صورت گرفته است. این ترجمه مدتی بعد به کرمان رسید و توسط ابوالفتوح نیشابوری اصلاحاتی در آن انجام شد و در برخی قسمتها به ترجمه دوباره انجامید. از ترجمه اول تا کنون دو دستنوشته به دست آمده است. قدیمترین نسخه، که در سال ۶۰۱ توسط محمد بن عمر قزوینی به خط نسخ کتابت شد در موزه بریتانیا نگهداری می شود. البته ترتیب برخی بابها در این نسخه با متن عربی متفاوت است و ظاهراً اوراق آن هنگام صحافی جابه جا شده است. نسخه دوم در سال ۸۵۹ به خط نستعلیق کتابت شده است و نام کاتب ندارد. این نسخه کامل است و ابواب آن با متن عربی مطابقت دارد. از ترجمه دوم رساله قشیریه دستنوشته ای در کتابخانه لالا اسماعیل محفوظ است که تاریخ و نام کاتب ندارد اما از روی خط و املا می توان آن را به اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم متعلق دانست (عثمانی، ۱۳۸۳: ۷۶ مقدمه). این نسخه تنها دستنوشته شناخته شده از ترجمه دوم رساله قشیریه است. دیباچه ای که بر این ترجمه نوشته شده است، اهمیت بسیار دارد؛ زیرا قدیمترین اثری است که از ابوعلی عثمانی، شاگرد قشیری به عنوان مترجم رساله قشیریه نام می برد (۱). این دیباچه هم چنین تنها سندی است که از مترجم دوم یعنی خواجه امام اجل زاهد ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد النیسابوری و مشوق او یعنی شیخ الشیوخ

احمد بن ابراهیم المعروف به پارسا (همان: ۱) نام برده است؛ هر چند از شرح حال هیچ یک از آنان و جایگاهی که در تصوف داشته اند به روشنی آگاهی نداریم (همان: ۷۳-۷۶ مقدمه). هم چنین در این دیباچه از پدر خواجه / امام اجل محمد بن یحیی (همان: ۲) نام برده شده است و از ارتباط او با قشیری معلوم می شود که ترجمه دوم در اواسط یا اواخر قرن ششم پایان پذیرفته است (همان: ۷۶ مقدمه).

۲- بررسی و نقد شیوه استاد فروزانفر در تصحیح ترجمه رساله قشیریه

استاد فروزانفر نسخه لالا اسماعیل - یعنی تنها دستنوشته از ترجمه دوم - را به عنوان نسخه اساس در متن قرار داده و اختلافات نسخه بریتانیا را با آن در حاشیه ذکر کرده است. البته هر جا که نسخه بریتانیا به نظر صحیح رسیده در داخل قلاب به متن منتقل شده است. نسخه ایاصوفیه چون از اواسط کار به دست مصحح رسیده بود فقط در مواردی که کلمه ای در نسخه بریتانیا قابل تشخیص نبوده مورد استفاده قرار گرفته است. در هر دو نسخه عبارتهایی هست که درست ترجمه نشده و در این موارد، مصحح عین عبارت عربی را در حاشیه آورده و دوباره ترجمه کرده است. متن عربی مورد استفاده در این تصحیح نسخه چاپ مصر، شرح ذکریا و شرح گیسو دراز بوده و از نسخه موزه بغداد نیز از صفحه ۲۷۳ کتاب استفاده شده است (برای آگاهی بیشتر از شیوه تصحیح استاد فروزانفر بنگرید به صفحه ۷۸ مقدمه ترجمه رساله قشیریه).

روشن است که استاد فروزانفر در تصحیح و تحشیه ترجمه رساله قشیریه، شیوه تصحیح قیاسی (۲) را برگزیده است؛ یعنی متن ترجمه دوم به قیاس با یکی از نسخه های ترجمه اول و نیز متن عربی تصحیح شده است. این شیوه در عین حال، مزیت کار مصحح به شمار می آید؛ از جمله اینکه وی کوشیده است متن را به گونه ای تصحیح کند که با اصل عربی بیشترین مطابقت را داشته باشد. از این رو با وجود اصل قرار دادن نسخه لالا اسماعیل، هر جا نسخه بریتانیا به متن عربی نزدیکتر بوده یا صحیحتر به نظر رسیده آن را وارد متن کرده و البته برای متمایز ساختن آن از متن اساس از نشانه دو قلاب استفاده کرده است. استاد فروزانفر برای مطابقت کامل متن با اصل عربی، برخی از عبارتهای عربی را در حاشیه به فارسی برگردانده است. بنا براین متن مصحح مرحوم فروزانفر و حواشی آن موجب

درک بهتر مطالب رساله قشیریه می شود. با این حال در این اثر اشکالاتی راه یافته است که طرح آنها می تواند به رفع برخی ابهامات بینجامد:

۱-۲. شیوه تصحیح و تحشیه استاد فروزانفر در کتاب حاضر با وجود نزدیکتر کردن متن به اصل عربی، اصالت و استقلال هر دو ترجمه را از بین می برد به گونه ای که ترجمه رساله قشیریه نه به عنوان یک اثر مستقل عرفانی، که خواننده فارسی زبان را از مباحث آموزشی در حوزه تصوف اسلامی بهره مند می سازد بلکه به صورت متنی ناقص و همواره وابسته به اصل عربی آن ارائه می شود.

۲-۲. وجود ارجاعات متعدد که متن را به زیرنویس صفحات مربوط می کند و توضیحات غالباً مفصل برای بسیاری از ارجاعات، رشته بحث را از دست خواننده به در می برد و جریان منطقی ذهن او را بر هم می زند.

۳-۲. میان آنچه استاد فروزانفر در مقدمه متن مصحح به عنوان شیوه خود در تصحیح بیان کرده است با عملکرد او در متن کتاب تناقضات و ابهاماتی دارد؛ مثلاً درباره تصحیح باب اول چنین نوشته شده است: *نظر به آنکه باب اول در این دو ترجمه بکلی با هم متفاوت است... تنها ترجمه دوم را ذکر کردیم (صفحه ۷۷ مقدمه)*؛ این در حالی است که در باب اول نیز در حاشیه، عبارتهایی از ترجمه اول دیده می شود و نیز برخی از کلمات نسخه اساس به زیرنویس منتقل، یا کلماتی داخل قلاب در متن آورده شده است که نشان می دهد از ترجمه اول در باب اول نیز استفاده شده است. او درباره شیوه تصحیح خود هم چنین نوشته است: *از باب سوم تا باب پنجاه و چهارم ترجمه دوم را بکلی در متن و اختلافات را در حاشیه ذکر کردیم مگر آنچه در (مب) - یعنی نسخه موزه بریتانیا - مرجح می نمود که متن قرار دادیم سوای باب پنجاه و پنجم که اختلاف به حدی بود که ناچار عین ترجمه نخستین را در حاشیه آوردیم (همانجا)*. در میان این توضیحات سرنوشت باب دوم روشن نیست هرچند وقتی به متن مراجعه می کنیم میزان اختلافات بین ترجمه اول با ترجمه دوم را در باب دوم کمتر می بینیم و این نشان می دهد که شاید مصحح برای باب دوم، توضیح خاصی در نظر داشته - مانند باب پنجاه و پنجم - که از قلم افتاده یا فراموش شده است.

۴-۲. اشکال دیگری که بر شیوه استاد فروزانفر وارد است، عدم استفاده او از نسخه دیگر ترجمه اول یعنی نسخه ایاصوفیه است. اینکه نسخه ایاصوفیه در اواسط کار به دست آمد توجیه مناسبی به نظر نمی رسد و اینکه با نسخه موزه بریتانیا تفاوتی نداشت، صحت ندارد؛ زیرا مقایسه نسخه ایاصوفیه با نسخه بریتانیا از تفاوت‌های بسیار حکایت دارد و با وجود اینکه نسخه ایاصوفیه متاخر است در پاره ای موارد صحیحتر و به متن عربی نزدیکتر به نظر می رسد.

۵-۲. استاد فروزانفر از دست‌نوشته‌های معتبر متن عربی رساله قشیریه استفاده نکرده و نسخه بغداد را نیز از صفحه ۲۷۳ مورد استفاده قرار داده است. توجه نداشتن به نسخه‌های معتبر عربی باعث ایجاد برخی ابهامات درباره ترجمه رساله قشیریه شده است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۶-۲. یکی از مهمترین اشکالات متن مصحح استاد فروزانفر در عنوان کتاب دیده می شود: "رساله قشیریه ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی" که با وجود توضیحات داده شده و اساس قرار گرفتن نسخه لالا اسماعیل کاملاً روشن است که متن مصحح فروزانفر ترجمه دوم از رساله قشیریه است و نه ترجمه ابوعلی عثمانی و حتی اگر بپذیریم که ترجمه دوم اصلاح یا بازنویسی ترجمه عثمانی است - در این باره در جای خود سخن خواهیم گفت - باز هم وجود اختلافات بسیار نشان می دهد که نسخه لالا اسماعیل را باید به تحریر دوم از رساله قشیریه مربوط بدانیم و استاد فروزانفر با اینکه خود نیز به این نکته معتقد بود اما ترجمه را با انتساب به ابوعلی عثمانی به چاپ رسانید (۳).

۷-۲. در میان توضیحات مفصل و مفید استاد فروزانفر در مقدمه رساله قشیریه به دو نکته زیر بر می خوریم که در اظهار نظر سایر پژوهشگران (۴) درباره ترجمه رساله قشیریه نیز ابهام ایجاد کرده است:

۱-۷-۲. در صفحه ۶۸ مقدمه آمده است: این کتاب مشتمل بر دو فصل و پنجاه و پنج باب است... که دو فصل در ترجمه فارسی به عنوان یک باب (باب اول) آمده است. منظور استاد فروزانفر از ترجمه فارسی، ترجمه دوم است؛ زیرا دو نسخه ترجمه اول مباحث را در دو فصل و پنجاه و چهار باب آورده اند. البته چنین اختلافی در نسخه‌های عربی هم

دیده می شود؛ مثلاً نسخه سلیمانیه مورخ ۴۸۸ پنجاه و پنج باب دارد زیرا دو فصل اول رساله قشیریه را ضمن باب اول آورده است. نسخه مورخ ۶۵۰، که مرحوم مینوی عکس آن را برای کتابخانه دانشگاه تهران تهیه کرد، نیز پنجاه و پنج باب دارد. در سایر نسخه ها شماره بابها نوشته نشده است. شرح ذکرها نیز فاقد شماره گذاری است. نسخه چاپ قاهره تنها عنوان هر باب را بدون شماره آن ذکر کرده است و البته بجز نسخه سلیمانیه و نسخه عکسی مینوی، که فصل اول و دوم را مجموعاً ذیل باب اول آورده اند - هر چند چنین شیوه ای بعید نیست که از جانب مؤلف اتخاذ شده باشد؛ زیرا باب آخر نیز از چندین فصل تشکیل شده است - بقیه دستنوشته ها دو فصل اول را مشخصاً با ذکر کلمه فصل در آغاز آن از سایر بابها جدا ساخته اند. بنابراین می توان گفت در نسخه عربی مورد استفاده مترجم دوم دو فصل آغاز کتاب در باب اول قرار داشته اما مترجم اول از نسخه ای استفاده کرده که پنجاه و چهار باب داشته است.

۲-۷-۲. در صفحه ۷۶ مقدمه رساله قشیریه آمده است: ترجمه دوم یا اصلاح ترجمه نخستین ظاهراً در کرمان صورت گرفته ولی مترجم شناخته نیست. این قدر معلوم است که شیخ الشیوخ احمد بن محمد پارسا می خواسته است که از ترجمه رساله نسخه ای داشته باشد و نسخه ای که به کرمان آورده بودند سقیم بوده است و ابو الفتح عبد الرحمن بن محمد در آن هنگام از خراسان به کرمان آمده بود، نسخه را نزد وی فرستاده اند که اصلاح کند. او ترجمه را ناقص یافته ولی اجل مهلت نداده که از نو باز پارسی کند.

از این عبارت چنین دریافته می شود که استاد فروزانفر کسی غیر از ابو الفتح نیشابوری را مترجم ترجمه دوم می داند. چنین عقیده ای در کتاب تحقیق در رساله قشیریه نیز - ظاهراً به تأثیر از دیدگاه های استاد فروزانفر - ابراز شده است. نویسنده کتاب پس از نقد اظهارات ذبیح الله صفا در جلد دوم تاریخ ادبیات در ایران درباره ترجمه رساله قشیریه می نویسد: با توجه به صراحت دیباچه ترجمه رساله، مسلم است که ابو الفتح نیشابوری موفق به ترجمه مستقل و کامل از این اثر نشده است و از این دیباچه نیز چیزی در مورد اصلاح و تکمیل ترجمه سقیم اولیه توسط وی استنباط نمی شود. اما در عین حال ممکن است که ابو الفتح نیشابوری کاستی ها و نقص های ترجمه اول را جبران کرده و این اصلاح و تکمیل به عنوان ترجمه دوم بعدها به نام او نقل و ثبت شده باشد... ابو الفتح

نیشابوری آرزو داشت صرف نظر از اصلاح و تکمیل نقصان ترجمه ابوعلی عثمانی خود به ترجمه مستقل از رساله قشیریه اقدام کند و توضیحات مکفی ضمیمه آن نماید که اجل مهلتش نداد و این خود دلیلی است که مترجم دوم رساله قشیریه او نبوده است مگر آنکه مقصود از ترجمه دوم به تسامح همان اصلاح و تکمیل ترجمه اول بوده باشد. تنها در این صورت ممکن است این ترجمه به ابوالفتوح نیشابوری نسبت داده شود وگرنه مترجم باید شخص دیگری باشد که متأسفانه هویت او بر ما پوشیده است (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۴: ۴۶ و ۴۷).

بر خلاف دیدگاه نویسنده محترم کتاب "تحقیق در رساله قشیریه" اتفاقاً از همین دیباچه مختصر می توان به نکات مهمی درباره ترجمه دوم دست یافت؛ زیرا نویسنده دیباچه در سطر پایانی آن به صراحت و روشنی چنین می نویسد: **به حکم وصیت خواجه امام ابوالفتوح رحمه الله آنچه گفته نوشته آمد تا ادای امانت او کرده باشیم** (عثمانی، ۱۳۸۳: ۴). بنابر این مترجم ترجمه دوم کسی غیر از ابوالفتوح نیشابوری نیست و می توان این احتمال را مطرح کرد که ابوالفتوح نیشابوری به اصلاح ترجمه رساله قشیریه پرداخته و ظاهراً اصلاحات را املا می کرده و شخص دیگری - لابد از شاگردان ابو الفتوح - که یقیناً همان نویسنده دیباچه است، اصلاحات را ثبت می کرده است. در عین حال خواجه ابوالفتوح در نظر داشت کتاب رساله را از نو ترجمه کند اما اجل مهلتش نداد لکن درباره اصلاحات انجام شده وصیت کرده است و نویسنده دیباچه - که نامش برای ما روشن نیست - ادای امانت کرده است و بدون اینکه نامی از خود ببرد، متن ترجمه رساله قشیریه را با اصلاحات ابوالفتوح بازنویسی کرده است. همین متن، امروز با عنوان ترجمه دوم رساله قشیریه در دست است و تأمل در ابواب آن نشان می دهد در برخی بابها مثل باب دوم اصلاحات کمتری صورت گرفته و در برخی دیگر مثل باب آخر اصلاحات به قدری است که دو ترجمه را بسیار متفاوت می سازد و این احتمال را به ذهن می آورد که شاید ابوالفتوح نیشابوری باب اول و آخر را برای نمونه دوباره ترجمه کرده اما سایر بابها در حد اصلاح ترجمه نخست باقی مانده است. هرچند در دیباچه به اینکه ابوالفتوح نیشابوری آرزو داشت توضیحات مکفی ضمیمه ترجمه کند، اشاره ای نشده است اما این نکته مهم از دیباچه به دست می آید که ابوالفتوح خود را از حیث مقام عرفانی در حد قشیری

می دانسته است؛ زیرا هنگامی که ترجمه ابوعلی عثمانی را دید بر لفظ او رفت که این کتاب رساله، کتابی عزیز است و غوری دارد کی از همه نوع علم درین کتاب است و اگرچه این کس کی نقل باز پارسی کردست شخصی عزیز بود و به انواع فضل متحلی اما هم کسی بایستی کی در درجه استاد امام بودی تا درین شروع توانستی کرد و می خواست که خود باز پارسی کند و در آن باب ید بیضا نماید (عثمانی، ۱۳۸۳: ۱).

همان گونه که پیش از این باز نمودیم، استاد فروزانفر نسخه مربوط به ترجمه دوم را به عنوان نسخه اساس برگزید و با دقت و صرف وقت بسیار به شیوه ای قیاسی تصحیح کرد. بنابراین وجود متن مصحح فروزانفر ما را تا حد زیادی از متن ترجمه دوم و ویژگیهای آن باخبر می سازد. آنچه ضرورتش بخوبی احساس می شود، ارائه متنی مصحح همراه با تعلیقات دقیق از ترجمه ابوعلی عثمانی است که اینک توسط نگارندگان این مقاله در دست تصحیح است که برای خود داری از تطویل کلام تنها به ذکر نمونه هایی از دو دستنوشته موجود از ترجمه عثمانی و مقایسه آن با ترجمه دوم و یکی از دستنوشته های معتبر متن عربی اکتفامی شود (۵):

۳- مقایسه نمونه هایی از ترجمه اول و دوم رساله قشیریه با متن عربی آن

۳-۱. نسخه سلیمانیه (کتابت ۴۸۸): اعلموا رحمکم الله ان شیوخ هذه الطایفه بنوا قواعد امرهم علی اصول صحیحه فی التوحید و صانوا عقایدهم عن البدع دانوا بها وجدوا علیه السلف و اهل السنه من توحید لیس فیه تمثیل و لا تعطیل (ب: ۴).

نسخه بریتانیا (ترجمه اول) : بدانید رحمکم الله کی مشایخ این طایفه قاعده کارهای خویش بنا کردند بر اصله‌ها درست در توحید و نیت‌ها خویش نگاه داشتند از بدعت و آنچه سلف را بران یافتند بدان تدین کردند و آنچه اهل سنت بران بودند پیش گرفتند از توحیدی کی در وی تشبیه و تعطیل نبود (الف: ۵)، (۶)

نسخه ایاصوفیه (ترجمه اول) : بدانید رحمکم الله که مشایخ این طایفه قاعده کارهای خویش بنا کردند بر اصل های درست در توحید و نیت های خویش نگاه داشتند از بدعت و آنچه سلف را بران یافتند از توحیدی که در وی تشبیه و تعطیل نبود (الف: ۳).

نسخه لالا اسماعیل (ترجمه دوم و نسخه اساس در تصحیح فروزانفر): بدانید رحمکم الله که پیران این طایفه بنا کردند قاعده کارها خویش بر اصلها درست اندر توحید نیتها خویش نگاه داشتند از بدعت و آنچه سلف را بران یافتند برین گرفتند و آنچه اهل سنت بران بودند بران بیستادند از توحیدی کی اندر وی تشبیه و تعطیل نه (الف:۷).

۲-۳. نسخه سلیمانیه: قال الجنید التوحید علمک و اقرارک بان الله فرد فی ازلیته لا ثانی معه و لا شیء یفعل فعله و قال ابو عبدالله خفیف تصدیق القلوب بما اعمله الحق من الغیوب و قال ابوالعباس السیاری عطاءه علی نوعین کرامه و استدراج فما ابقاه علیک فهو کرامه و ما ازاله عنک فهو استدراج فقل انا مومن ان شاء الله و ابو العباس السیاری کان شیخ و قته سمعت الاستاذ اباعلی الحسن بن علی الدقاق رحمه الله یقول غمز رجل رجل ابی العباس السیاری فقال تغمز رجلا ما نقلتها قط فی معصیه الله (ب:۸).

نسخه بریتانیا: جنید گفت رضی الله عنه توحید آنست که بدانی اقرار دهی کی خداوند سبحانه و تعالی فرد است به ازلیت خویش و وی را ثانی نیست و هیچ چیز آنچه او کند نتواند کرد بو عبدالله خفیف گوید ایمان باور داشتن است بر آنچه حق وی را بیگاهاند از غیبه ابوالعباس سیاری گوید عطاء او از دو گونه باشد یکی کرامت و دیگر استدراج هرچ بر تو بدارد کرامت است و هرچ زایل کند استدراج. تو گوی من مؤمنم ان شاء الله تعالی و ابوالعباس سیاری پیر زمانه خویش بود. از استاد ابوعلی دقاق شنیدم رحمه الله علیه کی گفت ابوالعباس سیاری را می کرد گفت پای کسی همی مالی کی در معصیت گامی فرا نرفت (الف:۹).

نسخه ایاصوفیه: جنید رحمه الله علیه می گفت توحید آنست که بدانی و اقرار دهی که خداوند تعالی فرد است به ازلیت خویش و ویرا ثانی نیست و هیچ چیز آنچه او کند نتواند کرد عبدالله خفیف رحمه الله علیه گوید ایمان باور داشتن است بر آنچه حق ویرا بیگاهاند از غیبه ابوالعباس سیاری رحمه الله علیه گوید عطای وی از دو گونه باشد یکی کرامت و یکی استدراج هرچه بر تو بدارد کرامت و هرچه زایل کند استدراج تو گویی من مؤمنم ان شاء الله و ابوالعباس پیر زمانه خویش بود. از استاد ابوعلی دقاق شنیدم رحمه الله علیه گفت یکی پای ابوالعباس سیاری را مغمزی می کرد گفت پای کسی را می مالی که هرگز در معصیت گامی فرا نرفت (الف:۵).

نسخه لالا اسماعیل: جنید گوید کی توحید آنست که بدانی و اقرار دهی که خداوند سبحانه و تعالی فرد است بازلیت خویش و او را ثانی نیست و هیچ چیز آنک او کند نتواند کرد. ابو عبدالله خفیف گوید ایمان باور داشتن است بدل بدانچه حق او رایباگاهاند از غیبهها. ابوالعباس سیاری گوید عطاء او بر دو گونه باشد کرامت بود و استدراج بود. هرچه با تو بگذارد کرامت بود و هرچه زایل کند استدراج بود. بگو که من مؤمنم ان شاء الله. ابو العباس سیاری را مغمزی همی کردند. گفت پایی همی مالی که هرگز اندر معصیت گامی فرا نرفت (الف: ۸).

۳-۳. نسخه سلیمانیه: له الاسماء الحسنی (وصفات العلیا) یفعل ما یرید و یدل لحکمه العبید لایجری علیه فی سلطانه الا ما یشاء و لا یحصل فی ملکه غیر ما سبق به القضا ما علم انه یکون من الحادثات اراد ان یکون و ما علم انه لا یکون مما جاز ان یکون اراد ان لا یکون خالق اکساب العباد خیرها و شرها و مبدع ما فی العالم من الاعیان و الآثار قلها و کثرها و مرسل الرسل الی الامم من غیر وجوب علیه (الف: ۱۵).

نسخه بریتانیا: ویرا نامه است نیکو و صفاتی بزرگ آنچه خواهد کند و آنرا کی خواهد در پادشاهی وی هیچ چیز نرود الا بقضای وی آفریدگار کسب بندگان از خیر و شر و پدید آورنده آنچه هست اندر عالم از عیان و آثار اندک و بسیار و فرستنده رسولانست بامتان نه ازان روی کی بر وی واجب بود (الف: ۱۷).

نسخه ایاصوفیه: ویرا نامه است نیکو و صفاتی بزرگ آنچه خواهد کند و آنرا که خواهد خوار کند و در پادشاهی وی هیچ چیز نرود الا بمراد وی و در مملکت وی هیچ چیز نرود الا بقضای وی آفریدگار کسب بندگان است از خیر و شر و پدید آورنده آنچه هست اندر عالم از اعیان و آثار اندک و بسیار و فرستنده رسولان است بر امتان نه ازان روی که بر وی واجب بود (الف: ۹).

نسخه لالا اسماعیل: او را نامه نیکوست و صفاتها بزرگ و آنچه خواهد کند آنرا که خواهد خوار کند بحکم خویش و اندر پادشاهی او هیچ چیز نرود الا بمراد او و هیچیز نبود اندر ملکش مگر به قضا او و هرچ دانست کی بودن از بودنیا خواست کی بود و آنچه دانست که نبود از آنچه بودنش جایز بود خواست که نبود. آفریدگار کسب بندگانست اندر

خیر و شر پدید آورنده آنچه هست اندر عالم از اعیان و آثار اندک و بسیار او و فرستنده رسولان بامتان نه از آنک بر وی واجب بود (الف: ۱۱).

۳-۴. نسخه سلیمانیه: و لا يتم ذلك الا بالمواظبه على المشاهده التي تريد رغبته في التوبه و توفر دواعيه على اتمام ما عزم عليه مما يقوى خوفه و رجاءه فعند ذلك تنحل من قلبه عقده الاصرار على ما هو عليه من قبيح الافعال فيقف على تعاطي المحظورات و يكبح لجام نفسه عن متابعه الشهوات فيفارق الزله في الحال و يبرم العزيمه على ان لا يعود الى مثلها في الاستقبال فان مضى على موجب قصده و نفذ بمقتضى عزمه فهو الموفق صدقا و ان نقض التوبه مره او مرات و تحمله ارادته على تجديدها فقد يكون مثل هذا كثيرا فلا ينبغي قطع الرجاء عن توبه امثال هولاء فان لكل اجل كتابا (الف: ۶۷).

نسخه بریتانیا: و این کار تمام نشود الا بر مواظبت بر مشاهدی کی رغبت در توبه زیادت کند و تمامی دواعی وی را بدین راه خواند و امید بود کی چون این همه آمد همه نکویدها از دل نفرت گیرد و بهزیمت شود و از ناشایست ها باز ایستد و لگام نفس باز کشد از متابعت شهوات و درحال از زلت مفارقت کند و عزم قوی گرداند با سر ناشایست ها نشود و اگر قصد خویش برود و از آنچه محرم است پرهیز کند موفقی باشد بصدق و اگر چنان بود کی توبه بشکند یک بار و دوبار و بران برود این چنان بسیار بود باید کی نا امید نشود از توبه این چنین چیزها کی هر چیزی را وقتی است (الف: ۷۹).

نسخه ایاصوفیه: و این کار تمام نشود الا بر مواظبت بر مشاهدی که رغبت او در توبه زیادت کند و تمامی دواعی وی را برین راه دارد و امید بود که چون این همه آمد همه بکوشیدها از دل نفرت گیرد و هزیمت شود و از ناشایستها باز ایستد و لگام نفس باز کشد از متابعت شهوات و درحال از زلت مفارقت کند و عزم قوی گرداند تا با سر ناشایستها نشود و اگر بر موجب قصد خویش برود و از آنچه محرمست پرهیز کند موفقی باشد بصدق و اگر چنان بود که توبه بشکند یکبار و دوبار و بران برود این چنین بسیار بود باید که از توبه نا امید نشود که هر چیزی را وقتی است (ب: ۷۴).

نسخه لالا اسماعیل: و تمامی دواعی کی او را بدین راه خواند خوف و رجاست چون این همه آمد همه نکویدها از دل نفرت گیرد و هزیمت پذیرد و از ناشایستها باز ایستد و لگام نفس باز کشد از متابعت شهوات و اندر حال از زلت مفارقت کند و عزم درست کند

کی نیز بازان ناشایستها نگردد و اگر بر موجب قصد خویش برود و برانچ مقتضی عزم است پیش گیرد موفقی صادق و اگر چنان بود که توبه بشکند یکبار و دوبار و بران بود که توبه کند چنین بسیار بود باید که نومید نشود از توبه این چنین کس که هر چیزی را وقتی است فان لكل اجل کتاب (ب: ۵۴).

۳-۵. نسخه سلیمانیه: و سمعت الاستاذ ابا علی الدقاق يقول الشجره اذا نبتت بنفسها من غیر غارس فانها تورق و لكن لا تثمر كذلك المرید اذا لم یکن له استاذ یاخذ منه طریقه نفسا فنفسا فهو عابد هواه لا یجد نفاذا (ب: ۲۱۰).

نسخه بریتانیا: از استاد ابوعلی شنیدم کی درخت چون بتن خویش براید بی آنک بکارند برگ بیارد و لکن بر ندهد هم چنین مرید چون ویرا استادی نبود کی طریقت از وی فراگیرد نفس وی پرستنده هوا بود و چون در راه آید فرا پیش نشود (ب: ۲۷۰).

نسخه ایاصوفیه: از استاد بوعلی دقاق شنیدم که درخت چون خود براید برگ بیارد ولیکن بار ندهد همچنین مرید چون ویرا استادی و امامی نبود که طریقت از وی فراگیرد نفس وی پرستنده هوا بود و در راه فرایش نشود (الف: ۳۲۷).

نسخه لالا اسماعیل: از استاد ابوعلی شنیدم که گفت درخت خودرست برگ برآرد ولیکن بار نیارد مرید همچنان بود که استاد ندیده باشد که طریقت از وی فرا گیرد هر نفسی او هواپرست بود فرایش نشود (الف: ۱۹۰).

۳-۶. نتیجه مقایسه نسخه بریتانیا و نسخه ایاصوفیه با توجه به متن عربی:

مقابل دو نسخه ترجمه اول و مقایسه آن دو با متن عربی نشان می دهد که صرف نظر از اختلافات واضح در رسم الخط - که عامل آن بیش از دو قرن فاصله زمانی در کتابت این دو نسخه است - یکی از موارد اختلاف این است که در نسخه ایاصوفیه نوعی تقیید به ذکر جمله های معترضه مانند سبحانه و تعالی، رحمه الله، رضی الله عنه و نظایر آن - حتی در مواردی که اصل عربی نیز فاقد این جملات است - دیده می شود. نمونه آن در نخستین عبارت از مثالهای ذکر شده دیده می شود. البته در موارد معدودی جمله معترضه ای در نسخه بریتانیا غالبا به پیروی از اصل عربی به کار رفته که نسخه ایاصوفیه فاقد آن است. هم چنین در ذکر نام برخی از مشایخ گاه در یکی از نسخه ها - بیشتر نسخه ایاصوفیه - تسامح دیده می شود؛ مانند دومین عبارت یادشده که در نسخه بریتانیا بوعبدالله خفیف و در

ایاصوفیه عبدالله خفیف ذکر شده است. نکته دیگر این است که گاه عبارتی از متن عربی در یکی از دو نسخه ترجمه نشده است. در این گونه موارد نسخه دیگر می تواند راهگشا باشد. اختلافات دیگری نظیر کاربرد ضمیر وی به جای او یا حرف اضافه بر به جای به که از قبیل اختلافات رایج در میان نسخه های مختلف از یک اثر واحد است نیز وجود دارد. البته باید گفت که گاه به اختلافاتی برمی خوریم که در حد خود می تواند اصلاح یا ترجمه ای مجدد به شمار آید؛ نمونه آن در جمله ای از عبارت چهارم بدین صورت دیده می شود:

متن عربی: الشجره اذا نبتت بنفسها من غیر غارس فانها تورق ولكن لا تثمر.
نسخه بریتانیا: درخت چون بتن خویش بر آید بی آنکه بکارند، برگ بیارد و لکن بار ندهد.

نسخه ایاصوفیه: درخت چون خود برآید، برگ بیارد و لیکن بار ندهد.

۴-۷. نتیجه مقایسه ترجمه اول و دوم:

مقایسه دو نسخه موجود از ترجمه اول نشان می دهد که اختلافات بین این دو نسخه غالباً از مواردی است که در متون دو یا چند نسخه ای رایج است. اما نسخه لالا اسماعیل تحریر دیگری از رساله قشیریه به شمار می رود. بنابر این طبیعی است که کمیت و کیفیت اختلاف نسخه ها متفاوت باشد. حجم وسیع این اختلافات در حواشی متن مصحح استاد فروزانفر ضبط شده است. برجسته ترین اختلاف این است که تحریر دوم مقید به ترجمه تحت اللفظی متن عربی است. به همین دلیل، متن ترجمه دوم به اصل عربی نزدیکتر است. این تقیید حداقل سه پیامد داشته است: یکی اینکه ترجمه بیشتر جمله هایی که در متن اول ترجمه نشده است در تحریر دوم دیده می شود. دوم اینکه وفادار بودن بیش از اندازه به متن عربی ترجمه را تحت تأثیر جمله بندی عربی قرار داده است که نمونه آن را آشکارا در عبارت اول می بینیم. سوم اینکه گاه در متن عربی جمله هایی دیده می شود که درک مفهوم آنها دشوار یا با ابهام همراه است. ترجمه این نوع جملات موجب راه یافتن ابهاماتی در ترجمه دوم شده است؛ نمونه ای از این مورد را می توان در عبارت سوم مشاهده کرد: هرچ دانست کی بودن از بودنیها خواست کرد و آنچ دانست که نبود از آنچ بودنش جایز بود خواست که نبود. همان گونه که ملاحظه می شود این جمله شاید به سبب پیچیدگی

لفظ و معنا توسط مترجم اول ترجمه نشده است. البته وجود عبارات دشوار یا نکات مبهم در تمامی متون با شدت و ضعفی متفاوت، اجتناب ناپذیر است بویژه که محتوای متن نیز مسائل دشوار عرفانی باشد و اتفاقاً وجود یک متن عربی به عنوان اصل این اثر و دو ترجمه فارسی از آن، ویژگی مهمی است که بسیاری از آثار از آن بی بهره اند؛ زیرا بسیاری از کاستیها، ابهامات و اشکالات هریک از دو ترجمه و نیز متن عربی در مقایسه با یکدیگر برطرف خواهد شد بنابراین وجود متنی مصحح و منقح از هر سه اثر ضروری به نظر می رسد.

نتیجه

رساله قشیریه یکی از متون معتبر صوفیه و مرجع نویسندگانی همچون محمدغزالی، هجویری و عطار در تألیف آثارشان بوده است. از ترجمه این اثر دو تحریر در دست است: تحریر اول به ابوعلی عثمانی شاگرد قشیری منسوب است که تاکنون دو نسخه خطی از آن شناخته شده است. این ترجمه توسط ابوالفتوح نیشابوری اصلاح و به وصیت او بازنویسی شد و تنها نسخه شناخته شده آن توسط استاد بدیع الزمان فروزانفر تصحیح و تعلیق شد. در متن مصحح فروزانفر بیش از هر چیز مطابقت ترجمه با اصل عربی مورد نظر بوده است؛ به همین دلیل متن مصحح وی برای درک بهتر رساله قشیریه راهگشاست. اما این شیوه تصحیح، ارزش و اصالت هر دو ترجمه را به عنوان متن عرفانی فارسی از بین می برد. علاوه بر این استاد فروزانفر، متن مصحح خود را به عنوان ترجمه ابوعلی عثمانی به چاپ رسانید حال اینکه به تصریح دیباچه همین اثر ابوالفتوح نیشابوری ترجمه نخست را اصلاح کرد و متن اصلاح شده به وصیت او توسط کاتبی که نامش شناخته نیست بازنویسی شد. مقایسه دستنوشته های موجود از دو ترجمه نشان می دهد که مترجم اول در نظر داشته است متنی ساده و قابل فهم ارائه کند که با نحو و جمله بندی زبان فارسی نیز متناسب باشد؛ به همین دلیل در عین وفاداری به اصل عربی برخی عبارات را که دارای ابهام بوده یا درک مفهوم آنها دشوار به نظر می رسیده به فارسی ترجمه نکرده است. برخلاف او مترجم دوم کوشیده است به گونه ای ترجمه اول را اصلاح کند که بیشترین نزدیکی را به اصل عربی داشته باشد. این نکته حتی در جمله بندی ترجمه دوم نیز تأثیر داشته و رنگ و بوی ترجمه در آن بخوبی قابل تشخیص است. استاد فروزانفر نیز به تاسی از مترجم دوم کوشیده است متنی را در اختیار خوانندگان قرار دهد که ترجمه ای کامل از متن رساله قشیریه باشد؛ به

همین دلیل در بسیاری موارد، خود نیز ترجمه ای از عبارت عربی در حواشی کتاب به دست داده است. از آنجا که مرحوم فروزانفر از یکی از دستنوشته های ترجمه اول استفاده نکرده است و اتفاقاً همین نسخه بسیاری از ابهامات و کاستیهای نسخه دیگر را برطرف می سازد، تصحیح ترجمه اول بسیار ضروری می نماید بویژه که این ترجمه توسط یکی از شاگردان قشیری و در زمانی نزدیکتر به او صورت گرفته و از تقدم نیز برخوردار، و طبیعی است که تصحیح ترجمه دوم مسبوق است به ارائه متنی مصحح از ترجمه اول که نگارندگان این مقاله بدان مشغولند و تدوین چنین متنی به همراه تعلیقات لازم برای رفع ابهامات و اشکالات مربوط به ترجمه رساله قشیریه راهگشا خواهد بود.

یادداشتها

- ۱- در جلد دوم دمیة القصر صفحه ۱۰۰۸ به نام ابوعلی حسن بن عبدالله عثمانی اشاره شده که باخرزی وصفش را آورده و مترجم اشعار فارسی به عربی بوده است (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۴: ۴۵). شفیع کدکنی ذیل نام ابوعلی عثمانی نوشته است که ابوعلی حسن بن عبدالله بن عثمانی از کسانی است که از شیخ الاسلام صابونی استماع حدیث داشته و در چهار صد و هفتاد و اندی در گذشته و احتمالاً همان مترجم رساله قشیریه است (بنگرید به: شفیع کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۶۸).
- ۲- برای آگاهی بیشتر از شیوه تصحیح قیاسی در متون مترجم که دارای دو یا چند ترجمه اند بنگرید به: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۹۴-۲۹۵.
- ۳- باید یاد آوری کرد که در تعلیقات ترجمه رساله قشیریه نیز برخی اشکالات راه یافته است؛ برای نمونه بنگرید به: میرباقری فرد، ۱۳۸۵: ۱۸۶ و روضاتیان، ۱۳۸۶: ۱۴۳ تا ۱۵۲.
- ۴- برای آگاهی بیشتر از تأثیر پذیرفتن برخی پژوهشگران از مقدمه فروزانفر و به تبع آن راه یافتن برخی اشتباهات درباره ترجمه رساله قشیریه به عنوان نمونه بنگرید به: استعلامی، ۱۳۸۲: هفده - احمدی، ۱۳۷۶: ۱۶.
- ۵- از متن عربی رساله قشیریه، دستنوشته های متعددی در دست است که از بین آنها نسخه سلیمانیه به دلیل قدمت تاریخ کتابت، کامل بودن متن و محفوظ ماندن ترتیب بابها برای ارائه نمونه در این مقاله برگزیده شد.

۶- آنچه در این مقاله از دستنوشته های ترجمه رساله قشیریه نقل شده مطابق رسم الخط متن نسخه ها است؛ به همین دلیل در عبارتهای نقل شده از نشانه های نگارشی نیز استفاده نشد تا به اصل دستنوشته ها کاملاً نزدیک باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک. (۱۳۷۶). **چهارگزارش از تذکره الاولیاء عطار**، نشر مرکز، چ سوم.
- ۲- الانصاری، زکریا. احکام الدلاله علی تحریر الرساله و حاشیه مصطفی العروسی المسماه بنتایج الافکار القدسیه فی بیان معانی شرح الرساله القشیریة ، چ سنگی.
- ۳- دهباشی، مهدی و سید علی اصغر میرباقری فرد. (۱۳۸۴). **تاریخ تصوف (۱)** ، انتشارات سمت، چاپ اول ، ۱۳۸۴ .
- ۴- رضایتی کیشه خاله، محرم. (۱۳۸۴). **تحقیق در رساله قشیریة** ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۵- روضاتیان، سیده مریم . (۱۳۸۶). **کاستی های ترجمه و تصحیح رساله قشیریة**، نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا، سال اول ، شماره اول، بهار ۱۳۸۶.
- ۶- عطار نیشابوری ، فریدالدین. (۱۳۸۲). **تذکره الاولیا** ، تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوار، چ سیزدهم ، ۱۳۸۲.
- ۷- عثمانی، ابوعلی. (۱۳۸۳). **ترجمه رساله قشیریة** ، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، چ هفتم ۱۳۸۳.
- ۸- القشیری، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). **الرساله القشیریة** ، تحقیق عبدالحلیم محمود و محمود بن الشریف ، انتشارات بیدار.
- ۹- _____ ، نسخه عکسی کتابخانه دانشگاه تهران.
- ۱۰- _____ ، نسخه خطی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی.
- ۱۱- _____ ، نسخه خطی سلیمانیة.
- ۱۲- _____ ، نسخه خطی المجمع العلمی العراقی. **مطالعات فرهنگی**
- ۱۳- _____ ، ترجمه ابو علی عثمانی ، نسخه موزه بریتانیا.
- ۱۴- _____ ، _____ ، نسخه ایا صوفیه. **مجمع علوم انسانی**
- ۱۵- _____ ، ترجمه ابوالفتوح نیشابوری ، نسخه لالا اسماعیل.
- ۱۶- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). **نقد و تصحیح متون** ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی .

- ۱۷- محمد بن منور. (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، موسسه انتشارات آگاه .
- ۱۸- میرباقری فرد، سید علی اصغر. (۱۳۸۵). نقش سلمه بن دینار (ابو حازم مکی یا مدنی) در شکل گیری تصوف، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، (پیاپی ۴۸) ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی